



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



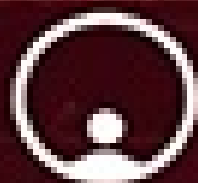
عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

منشور حقوق معلولان

ترجمه‌های امام علی (ع) به مالک اشتر

علی نوری



مجلس شورای اسلامی ایران
Islamic Consultative Assembly

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

منشور حقوق معلولان: توصیه های امام علی (ع) به مالک اشتر

نویسنده:

علی نوری

ناشر چاپی:

توانمندان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	منشور حقوق معلولان: توصیه های امام علی(ع) به مالک اشتر
۶	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۱	فهرست
۱۳	طلیعه
۱۷	آغاز
۱۸	حقوق الهی و هویت اجتماعی
۲۲	حقوق مددجویان و وظایف حاکمیت
۴۰	ضرورت گسترش این منشور
۴۱	تقنین بر اساس سخنان امام علی علیه السلام
۴۳	متن عهدنامه
۴۶	مآخذ
۴۷	درباره مرکز

منشور حقوق معلولان: توصیه های امام علی (ع) به مالک اشتر

مشخصات کتاب

سرشناسه: نوری، علی، ۱۳۶۳ -

عنوان قراردادی: نهج البلاغه. فرمان مالک اشتر. فارسی - عربی. برگزیده

عنوان و نام پدید آور: منشور حقوق معلولان: توصیه های امام علی (ع) به مالک اشتر / به اهتمام علی نوری؛ [برای] دفتر فرهنگ معلولین.

مشخصات نشر: قم: توانمندان، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۴۰ ص؛ ۵/۱۴×۵/۲۱ س م.

شابک: ۵۰۰۰۰ ریال ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۶۰۶-۷-۸

وضعیت فهرست نویسی: فایا

یادداشت: پشت جلد به انگلیسی: (pbuh) Imam Ali, Disable Rights charter Ali Nouri. recommendation to malek ashtar

یادداشت: کتابنامه: ص. ۴۰.

عنوان دیگر: توصیه های امام علی (ع) به مالک اشتر.

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج البلاغه. فرمان مالک اشتر -- نقد و تفسیر

موضوع: Ali ibn Abi-talib, Imam I. Nahjol - Balaghah. Malek Ashtar Farman -- Criticism and interpretation

موضوع: معلولان -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع: People with disabilities -- Religious aspects -- Islam

موضوع: معلولان -- توانبخشی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع: People with disabilities -- Rehabilitation -- Religious aspects -- Islam

شناسه افزوده : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج البلاغه. فرمان مالک اشتر. شرح

شناسه افزوده : Ali ibn Abi-talib, Imam I. Nahjol - Balaghah. Malek Ashtar Farman

شناسه افزوده : دفتر فرهنگ معلولین

رده بندی کنگره : BP۳۸/۰۴۲۳ / ن ۱۳۹۶ ۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵۱۵

شماره کتابشناسی ملی : ۵۰۱۹۵۱۴

ص : ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٣

منشور حقوق معلولان: توصیه های امام علی (ع) به مالک اشتر

به اهتمام: علی نوری

نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۳۹۶

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۶۰۶-۷-۸

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه قیمت: ۰۰۰/۵۰ ریال

ناشر: توانمندان طرح جلد: استودیو نیم

قم، بلوار محمدامین، خیابان گلستان، کوچه ۱۱، پلاک ۴، دفتر فرهنگ معلولین

تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۱۳۴۵۲ فکس: ۰۲۵-۳۲۹۱۳۵۵۲ همراه: ۰۹۱۲۵۵۲۰۷۶۵

www.HandicapCenter.com

www.DataDisability.com , info@handicapcenter.com ,

ص: ۴

طلیعه.....	۷
آغاز.....	۱۱
حقوق الهی و هویت اجتماعی.....	۱۲
حقوق مددجویان و وظایف حاکمیت.....	۱۶
ضرورت گسترش این منشور.....	۳۴
تقنین بر اساس سخنان امام علی(ع).۳۵	
متن عهدنامه.....	۳۷
مآخذ.....	۴۰

متون اسلامی شامل قرآن کریم و تفاسیر آن؛ سیره نبوی و سیره ائمه اطهار علیهم السلام و کتب فقهی، حقوقی، کلامی، تاریخی و ادبی شامل قطعه‌ها و نکته‌های زیبا و جذاب درباره حقوق معلولان است. اسلام به مثابه انسان به معلولین می‌نگرد. هیچ‌گاه به تحقیر آنان نمی‌پردازد بلکه مردم را ترغیب می‌کند، رفتار انسانی با معلولین داشته باشند. رسول خدا صلی الله علیه و آله، نابینایی را به هنگام سفر به عنوان قائم مقام خودش در مدینه منصوب کرد. آن هم بیست و دو مرتبه. قرآن کریم در معرفی انبیایی مانند حضرت یعقوب، حضرت ایوب، حضرت اسحاق و حضرت شعیب که سال‌هایی از عمرشان به نوعی به معلولیت جسمی دچار بودند، هیچ‌گاه آنان را کوچک‌نشمرده بلکه از فضایل، محاسن اخلاقی، کارآیی اجتماعی و موفقیت‌های آنان می‌گوید. در واقع الگوهای موفق برای معلولان از انبیاء مطرح کرده است. نیز در سوره عَبَسَ، روی برگرداندن یکی از مشاهیر قریش از نابینایی را به شدت نکوهش کرده و از نابینا دفاع جانانه‌ای می‌نماید.

وقت آن رسیده که ادبیات و فرهنگ اسلامی از منظر معلولان بازخوانی شود و مردم و مسئولین، معلولان را از طریق متون اسلامی بشناسند و در رفتار و دیدگاه‌های خود بعضاً تجدیدنظر نمایند.

این مجموعه شامل قسمتی از فرمان امام علی علیه السلام به مالک اشتر و مشتمل بر اهمّ حقوق مددجویان است. البته این حقوق دو وجهی است: یک رویه آن به مددجویان صاحب حق، اشاره دارد و دیگر رویه آن مدیریت جامعه و حاکمیت به عنوان مجری حقوق است. از این رو مخاطب امام از یک سو معلولین و از دیگر سو حاکمان و در آن زمان مالک اشتر به عنوان استاندار مصر است. البته آموزه های دینی، قابلیت تعمیم دارد و در همه دوره های زمانی و جوامع انسانی قابل اجرا و انطباق است.

حضرت علی علیه السلام به عنوان شخصیت مؤثر در عهد رسول خدا صلی الله علیه و آله، به ویژه در دوره مدینه و استقرار دولت نبوی، سپس در مقام راهنما و مشاور در دوره پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و بالاخره به عنوان رهبر در دوره حکومت علوی، تجارب مهم به دست آمده را در عهدنامه مالک اشتر آورده است. حضرت چون جامعه شناسی آب دیده در کوران حوادث؛ بسان یک کارشناس خبره در امور معلولین و همچون یک حقوق دان مجرب، خاستگاه های مددجویان را در عرصه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بیان کرده و مجموعه جامع و کارآمد حقوقی تدوین نموده است. این مجموعه قوانین شامل سی بند است و در مقایسه با قانون های مترقی کنونی جهان، پیشرفته تر می باشد.

متأسفانه جامعه، نهادهای مردمی و دولتی به ویژه مدیران دولتی مرتبط با معلولان کمتر با متون دینی آشنایی دارند. از این رو این کتاب در «دفتر فرهنگ معلولین» تدوین و به توصیه و پیشنهاد معاون فرهنگی سازمان بهزیستی کشور آقای سید محمدی برای چاپ و نشر برای ریاست سازمان ارسال گردید. اما متأسفانه بعد از هشت ماه گفته شد امکانات مالی برای نشر این اثر نداریم.

لازم به تذکار است که در کارنامه سازمان بهزیستی تألیفات انگشت شماری با موضوع دینی می یابیم، و همین نکته یکی از علل ناکارآمدی سازمان در بخش فرهنگ است. زیرا بین جامعه هدف به دلیل مسلمان بودن و اقدامات متولی

امور آنها گسست و فاصله عمیقی وجود دارد. وقتی سازمان موفق خواهد شد که دغدغه‌ها و باورهای جامعه هدف را محترم شمرده و بر اساس نیازهای جامعه تلاش کند. سازمان بهزیستی در زمینه توانبخشی جسمی فعالیت‌های خوبی انجام می‌دهد ولی در زمینه توانبخشی معنوی و فرهنگی بسیار ضعف دارد.

کتاب حاضر بر مبنای منابع دست اول تدوین شده و درصدد است حقوق معلولان را از نگاه حضرت علی علیه السلام تبیین نماید. انتظار هست نخبگان با نقدها و راهنمایی‌های خود بر غنا و استحکام این اثر بیفزایند.

علی نوری

ص: ۹

بخشی از عهدنامه مالک اشتر (به نام فرمان امام علی (ع) به مالک اشتر؛ میثاق امام و مالک هم معروف است) به معلولین اختصاص دارد. فارغ از جنبه های ادبی و فصاحت و بلاغت آن، از متون مهم حقوقی است که به تبیین حقوق اساسی و قواعد حاکم بر روابط مردم و حاکمیت می پردازد. امام وظایف متقابل و دو سویه حاکمیت و هر یک از گروه های اجتماعی از جمله معلولین را توضیح می دهد.

علی بن ابیطالب (ع) به دلیل دیدگاه های عالمانه اش نه فقط بین شیعیان، بلکه بین همه مذاهب اسلامی و نه فقط بین مسلمانان، بلکه بین همه ملل مثل یهودیان و مسیحیان هم به عنوان اسوه عدالت، مظهر انسانیت، مقتدای محاسن اخلاقی و کرامت انسانی و انسان شناس آگاه به علل موفقیت، مشهور است. وقتی مردم با او به عنوان رهبر بیعت کردند و با رأی مردم بر منصب خلافت تکیه زد، شیوه و رفتار معدلت آمیز و ضد تبعیض پیشه کرد، و در سال های حکومت علوی، به رغم موانع و مشکلات قاسطین، مارقین و ناکثین جامعه اسلامی به درجه ای از ترقی و عدالت رسید که تاریخ هیچ مانندی برای او سراغ ندارد.

حضرت انسان های شایسته ای را بر استان ها گمارد؛ از جمله مالک اشتر را فرمان داد تا استاندار مصر شود. اما تعیین مسئولین را به شیوه مشروط انجام می داد و می فرمود باید در چارچوب ضوابط و قوانین فعالیت کنی و از خودرأیی و استبداد و خودکامگی پرهیزی.

وظایف مالک را بند به بند نوشت و آیین نامه ای دقیق و جامع به دست او داد. وظایف مالک نسبت به همه طبقات و قشرها را معین کرد؛ از جمله به

معلولین هم پرداخت و حقوق آنان را چون حقوق دانی مجرب و نظریه پرداز تبیین کرده است.

از این رو نهج البلاغه چون دیگر متون اسلامی دارای مضامین و آموزه های انسانی بسیار به ویژه درباره افراد دارای معلولیت است. متأسفانه این میراث عظیم به جهان معرفی نشده و نخبگان دیگر ادیان و ملل کمتر از این متون اطلاع دارند. از این رو درصدد برآمدیم با انتشار بخش معلولیتی این عهدنامه، زمینه ای فراهم گردد تا آحاد مردم عزیز بیش از پیش، دل به این میراث بسپارند. در ادامه، با ترجمه به زبان های زنده جهان، علاقه مندان را جذب آموزه های الهی مندرج در این میراث کنیم.

حقوق الهی و هویت اجتماعی

حضرت برای مددجویان حقوق خاصی قائل است، البته می فرماید این حقوق منتسب به خداوند است: و احفظ لله ما استحفظک من حقه فیه؛ یعنی به خاطر خدا، پاسدار حقوقی باش که خداوند برای مددجویان تعیین کرده؛ نیز از تو خواسته حافظ این حقوق باشی.

حضرت در این جمله به چند نکته کلیدی اشاره می فرماید:

۱- حافظ حقوق معلولین باش (احفظ). دولت اسلامی و متولی جامعه اسلامی مشمول دستور و فرمان حضرت و موظف به حراست و نگاهبانی از حقوق آنان است.

۲- این حق و حقوق تعلق به خداوند دارد و خدا این حقوق را به مددجویان داده است (من حقه فیه). از طرف دیگر مددجویان صاحب حق از دولت خواهان حفاظت از حقوق شان هستند (استحفظک). سهم مددجویان از بیت المال، حقی است که در اصل متعلق به خداوند است؛ چون خداوند مالک همه ثروت ها است؛ ولی خداوند این حق را به معلولین واگذار کرده؛ نیز متولی

جامعه موظف حفاظت یعنی تأمین این خواسته معلولین است. بنابراین حضرت برای معلولین، نوعی حقوق الهی قائل است که به عنوان حق الناس برای آنان معین شده است. این دیدگاه اگر به حقوق فطری تعبیر شود، اشکالی ندارد؛ زیرا به موجب آیه فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا (سوره رم آیه ۳۰) گویای الهی بودن فطرت انسان است.

۳- خداوند از متولی جامعه (دولت) درخواست حفاظت این حقوق را کرده است (استحفظک). بنابراین متولی جامعه، تنها مقامی است که رسماً از طرف خداوند برای پاسداری و حفاظت از حقوق معلولین انتخاب و تعیین شده است. اکنون بر اساس قوانین ایران این وظیفه به هیئت دولت و سازمان بهزیستی سپرده شده است.

۴- حضرت کلمه «لله» را استفاده کرده است. یعنی حافظ حقوق معلولین باید با انگیزه خدایی و اخلاقی به اجرای این وظیفه اقدام کند. تأمین حقوق مددجویان نباید از سیر سود مادی، منافع دنیوی، برای پُست و مقام و امثال این ها باشد، بلکه صرفاً از سر انجام وظایف معنوی است. از اینرو کسانی که با انگیزه های غیر الهی در زمینه حقوق معلولین فعالیت دارند، عمل شان مقبول نیست.

حضرت علی (ع) پس از توضیح درباره ضرورت تقوا و عدالت حاکم، راه های موفقیت، قواعد و قوانین جنگ و لزوم صلح، به کار گرفتن افراد متقی و صلاحیت دار، پرهیز از عیب جویی مردم و لزوم گذشت و تساهل به تقسیم جامعه به دو طبقه حاکمان و مردم و مردم را به هفت طبقه زیر تقسیم می نماید:

- نظامی ها و سربازان

- نویسندگان عمومی و منشیان خصوصی (دیوانیان)

- قاضیان

- کارگزاران دولتی

- اهل ذمه و پیروان دیگر ادیان

ص: ۱۳

- طبقه آسیب پذیر و افراد تحت پوشش تأمین اجتماعی

حضرت می فرماید این هفت طبقه حق و حقوقی دارند که در قرآن و سنت نبوی بیان شده است و متولی و حاکم مسئول اجرای حقوق این طبقات است. اما به نظر امام این طبقات تغییرپذیر و قابل جابجایی می باشند. بر خلاف نظام پادشاهی در ایران باستان و روم باستان که افراد هر طبقه نمی توانستند به طبقه دیگر راه پیدا کنند و مادام العمر و به صورت جبری در طبقه خودشان می ماندند. حضرت می فرماید افراد آزاد هستند از طبقه ای به طبقه دیگر بروند. حتی قشر آسیب پذیر می توانند با تلاش و کوشش به طبقه عالی و رهبری جامعه راه پیدا کنند. افراد آسیب پذیر با رسیدگی به امور آن ها ارتقاء یافته و می توانند صاحب شغل و رفاه شده و زندگی آبرومندی داشته و به مقامات و پست های مدیریتی کلان برسند.

حضرت وضعیت و حقوق هر یک از طبقات را توضیح می دهد تا به طبقه آسیب پذیر می رسد. سپس مثل یک جامعه شناس تحلیل گر، ویژگی های جامعه مددجویان را این گونه معرفی کرده است:

اللّٰهُ اللهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لِاحِيلَهُ لَهُمْ مِنَ الْمَسَاكِينِ وَ الْمَحْتَجِينَ وَ اَهْلِ الْبُؤْسَى ' وَ الزَّمْنَى ' فَانَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَانِعًا وَ مَعْتَرًا.

به تو هشدار می دهم در مورد جامعه ای که مشکلات روزگار آنان را فرودست نموده است. اینان شامل چهار گروه فاقد نیروی حرکتی (معلول حرکتی یا زَمْنَى)، پریشان خاطر (معلول ذهنی یا بُؤْسَى)، افراد دارای احتیاجات خاص به دلیل فقدان حس شنوایی و گویایی (محتاجین) و بالاخره افراد نایبای دارای سکون و فاقد حرکت و تحرک کافی (مساکین) می باشند.

در دوره جدید هم معلولین را به چهار گروه اصلی، معلولین حرکتی، معلولین ذهنی، ناشنوایان و نابینایان تقسیم می کنند. حضرت هم از چهار گروه با الفاظ مستعمل و متداول در فرهنگ آن دوره یاد کرده و به این نکات می پردازد:

۱- چون درصدد، سخن گفتن از موضوع مهمی است. از این رو سخن خود را با الله الله شروع می کند. این اصطلاح در موردی به کار می رود که گوینده و سخنران درصدد بیان مطلب مهم همراه با هشدار است.

۲- مددجویان را طبقه یا گروه اجتماعی خرد یا جامعه فرودست معرفی می کند که ذاتاً سافل و فرودست نیستند بلکه روزگار و وضعیت موجود آنان را فرودست نموده است. به طوری که مشکلات روزگار آن چنان آنان را تحت فشار قرار داده که چاره ای جز تن دادن به وضعیت موجود ندارند. (الطبقه السفلی من الذین لاحيله لهم).

حضرت درصدد بیان واقعیت های اجتماعی بوده و نخواست با سخنان غیر واقعی و مدح آمیز، اطلاعات غیرواقعی بدهد و مردم را فریب دهد. از این رو به روش مدح، آنان را بهترین و بالاترین گروه جامعه معرفی نکرده است. برعکس اطلاعات درست و حقیقی به آن ها داده و مرتبه اجتماعی شان را برایشان تبیین کرده است.

البته آنان فکر می کنند باید این وضعیت را جبراً بپذیرند و هیچ راهی غیر از تن دادن جبری به این وضعیت را ندارند. اما حضرت با عبارت الذین لاحيله لهم، می خواهد به معلولین بفهماند، این فکر شما است که بی چاره هستید و راه کار ندارید. چون فعلی مثل فکروا در تقدیر است و اصل جمله «الذین فکروا لاحيله لهم» بوده است. در حالی که شما سرمایه عظیمی مثل حقوق الهی دارید و با این سرمایه می توانید به مدارج عالی برسید.

۳- از نظر امام این جامعه شامل چهار گروه است: مساکین (کسانی که به دلیل فقدان حس بینایی، سکون داشته و مستقلاً نمی توانند حرکت کنند)؛ محتاجین (کسانی که به دلیل فقدان حس شنوایی و گویایی نیازمند رابط و مترجم اند تا خواسته های آنان را به مخاطبان تفهیم کند)؛ اهل البؤسی^۱ (کسانی که فکر و خاطر معیوب داشته و به نام معلول ذهنی مشهور اند)؛ و

بالاخره زَمَنی^۱ (افرادی که به دلیل ضایعات نخاعی یا فلج اعضاء و جوارح زمین گیر بوده و اکنون به نام معلول حرکتی شناخته می شوند).

۴- پس از تقسیم بندی جامعه معلولین به لحاظ نوع معلولیت و دسته بندی معلولین به چهار گروه، از نظر اخلاقی و جامعه شناسی آنان را به دو گروه قانع و معتر تقسیم می کند. و می فرماید عده ای از معلولین قناعت پیشه اند و در محدوده دارایی ها و داشته های خود زندگی می کنند. به عبارت دیگر تمشیت امور و مدیریت زندگی خود را عاقلانه و بدون زیاده روی و افراط و تفریط اجرا می نمایند. گروه دیگر اعترار دارند و معتر هستند. یعنی با افراط در خوراک، پوشاک و دیگر نیازمندی ها، به فقر افتاده و فقیر شده اند. اینان در نهایت مجبور می شوند به گدایی و تکدی گری پردازند. حضرت به درستی به ساز و کارهای اجتماعی و اقتصادی جامعه توجه دارد و تحولات را مثل یک جامعه شناس تحلیل می کند. سپس بسان یک حقوق دان به تحلیل حقوق مددجویان می پردازد.

حقوق مددجویان و وظایف حاکمیت

حضرت پس از معرفی جامعه معلولین و تقسیمات آن، به حقوق آنان و مشروعیت و اثبات این حقوق می پردازد و در مجموع سی ماده حقوقی برای معلولین بر می شمارد. با شمردن و تجزیه و تحلیل این حقوق درصدد آگاه کردن معلولان نسبت به حقوق شان و وادار کردن استانداردها مالک اشتر برای این حقوق است. اکنون به بررسی این حقوق می پردازیم:

۱- تعیین حقوق مالی مشخص برای معلولین

و اجعل لهم قسماً من بیت مالک. بخشی از بیت المال را برای آنان قرار بده.

حضرت اولین حق معلولین را اقتصادی و تعیین مقرری رسمی از بیت المال می داند. چون مهم ترین مشکل یک معلول و اولین دغدغه او طعام و تأمین لباس و

پوشاک و دیگر ضروریات زندگی است. از این رو باید مبلغی به مددجویان به طور منظم پرداخت شود. اگر مددجویان دغدغه های اولیه نداشته باشند، به دلیل خلاقیت و ابتکاری که در ذات آن ها هست، می توانند مشارکت خلاقانه اجتماعی داشته باشند.

۲- تأمین خوراک معلولین

و اجعل قسماً من غلات صوافی الاسلام فی کل بلد. بخشی از غله ها (گندم و جو و برنج) از سرزمین های خالصه و غنیمتی مسلمانان در همه جهان اسلام را به معلولین اختصاص بده.

صوافی یعنی خالص ها، زمین صوافی یعنی زمین های خالص پادشاه و دربار اما غلات صوافی الاسلام یعنی غلاتی که از زمین های خالصه فتح شده به روش صلح به حکومت واصل می شود. امام می فرماید قسمتی از این غلات به مددجویان تعلق دارد.

۳- ضرورت مساوات و اجرای عدالت بین همه معلولان

فانّ للاقصی منهم مثل الذی للادنی! تبعیض ممنوع است و با آنان به مساوات رفتار کن؛ زیرا دورترین آن ها مثل نزدیک ترین آن ها است.

هر آنچه به آنان تعلق می گیرد و حقوقی که به آنان می خواهی بدهی، دور و نزدیک، خودی و غیرخودی ندارد. در ادامه حضرت خواستار رعایت حقوق همگان شده است.

۴- رعایت حقوق تمامی مددجویان بدون تبعیض

و کلاً قد استرعیت حقه. حقوق همه مددجویان باید مراعات گردد.

حضرت از واژه استرعیت در باب استفعال استفاده کرده و گویا درصدد بیان این نکته است که ای مالک تو به عنوان مدیر ارشد جامعه باید از همه مدیران تحت فرمانت رعایت حقوق مددجویان را مطالبه کنی و پیگیری نمایی. صرفاً یک دستور نباشد بلکه پیگیری و مطالبه جزء برنامه رعایت حقوق است. مهم این است که در این بند، حضرت کل و تمامی مددجویان را مشمول رعایت حق

دانسته است. یعنی نفرموده فقط مسلمانان یا فقط طرفداران امامت یا فقط کسانی که فلان خصوصیت را دارند. بلکه فرمود کل و همه مددجویان بدون تبعیض باید حقوق شان مراعات گردد.

۵- ممنوعیت غفلت از مددجویان

فلا يشغلنك عنهم بَطْر. رفاه و خوشی موجب غفلت از معلولین نشود.

به نظر بعضی جامعه شناسان، جوامع در حال پیشرفت، توسعه و رفاه اجتماعی، گاه موجب فراموشی اقشار آسیب پذیر می شود. از این رو تأکید می کنند، حقوق اولیه این قشرها اقتضا می کند دولت به آن ها توجه نماید و مانع نابودی آنان زیر چرخ های توسعه شود.

برخی متون به جای بَطْر، نظر دارد. یعنی هیچ فکری تو را از رسیدگی به آنان مشغول نکند.

۶- ممنوعیت تضييع حقوق مددجویان به بهانه اجرای کارهای اولویت دار

فَإِنَّكَ لَا تُعْذِرُ الصَّغِيرَ الصَّغِيرَ لِاحْكَامِكَ الْكَثِيرِ الْمُهْمِّ. انجام کارهای زیاد و مهم عذر برای ضایع کردن حقوق بیچارگان نمی تواند باشد.

مدیران پرداختن به امور مددجویان متعلق به اقشار پایین جامعه را این گونه توجیه می کنند: کار زیاد یا کار مهم و اولویت دار، مانع از رسیدگی به امور آنان بود و معذور هستیم. اما حضرت می فرماید این استدلال پذیرفته نیست و اجرای کارهای کثیر و مهم عذرآور نمی باشد و از مسئولیت استاندار برای رسیدگی به امور مددجویان دون پایه نمی کاهد. زیرا موجب تضييع حق آنان و کرامت انسان های مددخواه و نیازمند مساعدت می گردد. حضرت نمی فرماید تعضييع مال یا تضييع آبرو یا تضييع زندگی آن ها می شود؛ بلکه می فرماید «تضييع الصغیر» یعنی عدم رسیدگی به بهانه رسیدگی به امور مهم و زیاد، موجب از هستی ساقط شدن قشر صغیر است و همه چیز خود را از دست می دهند.

برخی از نسخه های چاپی مثل نهج البلاغه صبحی صالح اینگونه آمده است:

فأنك لا تعذرُ بتضييک التافه، و معنای آن اینگونه می شود همانا مجاز نیستی با تحقیر خود را ضایع کنی. یعنی حضرت پیش از این به مالک اشتر درباره غرور و تکبر هشدار داد و الآن درباره خود کوچک بینی و حقارت پیشگی، هشدار می دهد. حاکمی بیش از حد خودش را کوچک می نماید، ابهت خود را از دست می دهد. در نتیجه افراد فرصت طلب از این وضع سوء استفاده می کنند. از این رو در چنین جامعه ای حقوق معلولین تزییع می گردد.

ادامه سخن حضرت که فرمود: لأحكام الكثیر المہم را می توان اینگونه تفسیر نمود: حاکم برای تحکیم جایگاه خود در جامعه باید کارهای مهم بسیار انجام دهد. با اجرای طرح های مهم و ابتکاری مردم به استواری، اقتدار و استحکام قدرت حاکم پی برده و او را شایسته این مقام می دانند. معلولین در اینگونه جامعه می توانند به نیازها و حقوق خود برسند.

۷- همت و اهتمام به امور آنان

فلا تُشخِصْ هَمَّكَ عَنْهُمْ. اهتمام خود را از آنان دریغ مکن.

رسیدگی متولیان جامعه به وضع زندگی معلولین و اهتمام به امور آنان از دیگر حقوق اجتماعی معلولین است. مسئولین به دلائل گوناگون ممکن است، اهتمام خود را از معلولین دریغ کنند. از جمله با این توجیه که طرح حقوق آنان موجب توقع و بالا- رفتن سطح مطالبات آنان شود، به امور آنان همت ننمایند. امام به طور کلی از هر گونه همت نکردن در جهت امور آنان را نهی کرده است.

۸- عدم رفتار با غرور و نخوت با معلولین و تعامل انسانی با آنان

و لا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لَهُمْ. به معلولین فخر نفروش و از سر کبر و نخوت، از آنان روی بر مگردان.

یکی از حقوق معلولین این است که جامعه، به ویژه مسئولین رفتار عادی و انسانی با آنان داشته باشند. به دلیل نداشتن بینایی یا فلج بودن آنان را تحقیر نکنند و با آنان با کبر و نخوت برخورد ننمایند.

ص: ۱۹

گویا حضرت این سخنش را از قرآن کریم اقتباس کرده است. در سوره لقمان از وصایا و توصیه های لقمان به پسرش، این است: لَا تُصَيِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ مَرْحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كَلَّ مَخْتَارٍ فَخُورٍ (آیه ۱۸ سوره لقمان). چهره از مردم بر مگردان و در زمین خرامان راه نرو، همانا خداوند انسان های خودپسند و متکبر را دوست نمی دارد.

قرآن کریم می فرماید هنگامی که نابینایی آمد، کسی با چهره عبوس روی بر گرداند (عبس و تولى ان جاءه الاعمى، سوره عبس، آیات ۱ و ۲) در ادامه این رفتار را به شدت مذمت کرده است. در منطق قرآنی و در فرهنگ الهی، نابینا و کلاً معلولین کرامت دارند و کسی حق ندارد از آن ها رو برگرداند.

۹- ضرورت احترام متواضعانه نسبت به مددجویان

و تواضع لله يرفعك الله. به خاطر خدا تواضع کن تا خداوند تو را رفعت دهد.

حضرت تواضع حاکم را با رفعت و بزرگی او در ارتباط قرار داده است. حاکمی که نسبت به مردم و مددجویان تواضع داشته باشد، مقام رفیع و مقبولیت گسترده پیدا خواهد کرد. بر عکس حاکمی که تکبر داشته و نسبت به مردم متکبر و مستبد باشد، جلال و شکوه هم پیدا نمی کند. در حدیث معروف آمده: من استبد برأیه هلك یعنی کسی که مستبد و خودرأی باشد و به افکار عمومی احترام نگذارد نابود می شود. زیرا اقتدار و قدرت واقعی در جامعه است، حاکم با نزدیک شدن به جامعه و احترام به اقشار اجتماعی، از قدرت و اقتدار لایزال مردمی بهره مند می گردد، مردم هم به او یاری رسانده و در دل های مردم نفوذ یافته و مردم با همه وجود در سختی ها و بحران ها یاور او خواهند بود. بنابراین وظیفه دو طرف حاکمیت و مددجویان در این قطعه از سخن حضرت این است که حاکم متواضع باشد نه به صورت ظاهری و برای فریب مردم بلکه واقعاً و از سر عشق و اخلاص به مردم؛ مددجویان هم در رفعت حاکم نقش آفرین باشند.

۱۰- امکانات و فرصت های اجتماعی و اقتصادی را در اختیار مددجویان گذاشتن

و اَخْفِضْ جِنَاحَكَ لِلضَّعْفَاءِ. بال های خود را برای ضعیفان پهن کن.

بال پهن کردن به دو جور تفسیر شده است:

استعاره از فروتنی در برابر ناتوانانِ توان خواه است. این کاربرد اخلاقی است. در تفسیر دوم، بال کنایه از رشد و توسعه و ترقی است. یعنی امکانات و ظرفیت ها و فرصت هایی که در اختیار حاکم است، نباید آن ها را به اقویاء، پولدارها و ثروت مندان بدهد بلکه حاکم باید فرصت ها و امکانات اقتصادی و اجتماعی را به مددجویان ضعیف بسپارد. پهن کردن بال، کنایه از اعطای امکانات و فرصت ها آن هم با تواضع و فروتنی است. این کاربرد حقوقی است.

۱۱- نیاز جامعه به حضور اجتماعی و مساعدت آنان

و اَرْبِهِمُ الی ذَلِكْ مَنْكَ حَاجَةٌ. به مددجویان نشان بده به این برنامه نیازمندی.

به نظر حضرت، حاکم با تواضع و سپردن امکانات و فرصت ها به مددجویان کارش تمام نمی شود بلکه باید برنامه فرهنگ سازی اقناعی و اطلاع رسانی هم داشته باشد. باید به مددجویان تفهیم کند حکومت به مددجویان نیاز دارد؛ چون آنان سرمایه اجتماعی هستند و با مشارکت در جامعه موجب پیشرفت و ترقی خواهند شد.

۱۲- رسیدگی به امور معلولین منزوی و دور از دسترس

و تَفَقَّدْ اُمُورَ مَنْ لَا یَصِلُ اِلَیْكَ مِنْهُمْ مِمَّنْ تَقْتَحِمُهُ الْعِیُونَ وَ تَحْقِرُهُ الرِّجَالُ. امور معلولینی را که درخواست های آن ها به تو نمی رسد، رسیدگی کن؛ زیرا اینان از چشمان پنهان اند یا به دلیل تحقیر، کنار رفته اند.

مدیران فقط نسبت به مراجعه کنندگان و کسانی که در فهرست ثبت شده اند رسیدگی می کنند. اما معلولینی هستند که در حاشیه اند؛ اساساً نمی دانند کسی و تشکیلاتی برای رسیدگی به امور آنان هست یا مددجویانی هستند که به هر دلیل تحقیر شده و آنان را کنار گذاشته اند یا در بازداشت هستند یا به بهانه سوء سابقه، حذف شده اند؛ همه اینان مصداق سخن حضرت می باشند و به حاکم امر می فرماید که باید به امور آنان رسیدگی کنی.

ص: ۲۱

۱۳- تعیین مددکارهای متواضع و دارای محاسن اخلاقی به عنوان معتمدین حکومت

فَفَرِّغْ لَوْلَاكَ ثَقَّتْكَ مِنْ أَهْلِ الْخَشْيَةِ وَ التَّوَّاضِعِ فَلْيَرْفَعْ إِلَيْكَ أُمُورَهُمْ وَ ذَلِكَ عَلَى الْوَلَاةِ ثَقِيلٌ. معتمد خداترس و متواضع بر معلولین بگمار تا امور آنان را نزد تو آورد، اگر چه اجرای این دستور برای والیان سنگین است.

سازمان بهزیستی با اجرایی طرح نظارت بر مددجویان در واقع همین دستور حضرت را عملی ساخته است. متولی جامعه و استاندار منطقه نمی تواند شخصاً به همه مسائل و امور معلولین رسیدگی کند، از این رو لازم است کسانی را به عنوان نماینده و واسطه انتخاب کند. اما این افراد باید صفات نفسانی مثل تقوا داشته باشند تا در عمل برای حاکمیت مشکل ایجاد نکنند.

این بند از فرمان گویای این است که معلولین حق دارند نیازمندی ها و مشکلات خود را به گوش مسئول برسانند و حاکم وظیفه دارد به آن ها رسیدگی کند. اما مدیریت نمی تواند بهانه آورده و بگوید کثرت معلولین مانع است و نمی توان عملاً به همه آن ها رسیدگی کرد. زیرا حضرت راه کار عرضه کرده و می فرماید لازم نیست خودت به همه امور رسیدگی کنی بلکه معتمدی تعیین کن تا به امور آن ها رسیدگی کند.

امام بر چند نکته تأکید دارد: ۱- واژه ثقتک (معتمد خودت) گویای این است که مددکارها و گزارش کنندگان امور معلولین باید زیر نظر حاکم باشند. به عبارت دیگر تشکیلاتی شامل معتمدین رسیدگی کننده به امور مددجویان، نباید خارج از حوزه ریاست کل باشد. ۲- معتمدین حداقل باید دو ویژگی خشیت و تواضع داشته باشند. نسبت به رئیس جامعه خاشع و نسبت به معلولین متواضع باشند. خشوع غیر از خوف است و به نگرانی آگاهانه گفته می شود. معتمد در مقابل مددجویان، فروتن و در مقابل حاکمیت ضمن آگاهی از مشکلات، نگران اجرا شدن برنامه ها و اوامر ریاست است. ۳- پایان این فقره عبارتی درباره ثقل و سختی به کارگیری معتمدی با این خصوصیات است.

۱۴- اجرا کردن منصفانه امور مددجویان تا رسیدن به معافیت در دادگاه عدل الهی

ثُمَّ اِعْمَلْ فِيهِم بِالْعَدَالَةِ إِلَى اللَّهِ يَوْمَ تَلْقَاهُ، فَإِنَّ هَوْلًا اِخْوَجُ إِلَى الْاِنْصَافِ مِنْ غَيْرِهِمْ وَ كُلُّ فَاَعَزَّرَ إِلَى اللَّهِ فِي تَاْدِيَةِ حَقِّهِ اِلَيْهِ. به گونه ای با مددجویان رفتار کن که در قیامت نزد خداوند رو سفید باشی، اینان نسبت به دیگر اقشار جامعه به دادرسی نیازمندتراند؛ بنابراین با ادای حقوق همگانی نزد خداوند مأجور و معذور خواهی شد.

معلولان نیازمند عمل نه شعار و حرف، آن هم عمل عادلانه و منصفانه و با رعایت ضوابط اخلاقی و حقوقی و شرعی به طوری که مدیر مددکار حتی در قیامت و نزد خداوند معذور و معاف از تنبیه گردد.

حضرت رسیدگی به امور معلولین را با سعادت اخروی هم سنگ دانسته؛ همچنین کار برای آنان را همان رعایت انصاف و دادرسی می داند. از این رو حاکم باید به آنان به چشم انسان های بی پناه بنگرد و درصدد برآورده شدن همه حقوق آنان باشد تا معذور گردد.

۱۵- رسیدگی ویژه به افراد دارای معلولیت شدید

و تَعَهَّدْ اَهْلَ الْاَيْتِمِ وَ الزَّمَانَةَ وَ الرِّقَّةَ فِي السِّنِّ مَنْ لَا حِيْلَ لَهُ وَ لَا يَنْصِبُ لِمَسْأَلِهِ نَفْسَهُ. نسبت به افراد دارای معلولیت های شدید یعنی زمین گیرها، کهنسالان و آسیب مندان درمانده متعهد باش. چون آنان بیچارگانی هستند که خواسته های شخصی خود را هم نمی توانند برآورده سازند.

وظیفه شناسی، تعهد و قبول مسئولیت در منطق حضرت جایگاه خاص دارد. وقتی به افراد دارای معلولیت شدید می رسد، می فرماید متولی جامعه حتماً باید وظیفه شناس باشد. اهل الیتیم یعنی افرادی که به دلیل حادثه و قطع عضو یا نابینا شدن یا از دست دادن پدر و مادر جزء «طبقه آسیب مند» جامعه شده اند؛ زمانه یعنی افرادی که به دلیل ناتوانی و معلولیت شدید زمین گیر شده اند؛ و بالاخره الرقه فی السن یعنی کسانی که به دلیل کهولت و سن زیاد، توان تحرک

ندارند. این سه دسته را حضرت به طور ویژه رسیدگی کرده و حقوق ویژه برای آنان بر می شمارد. زیرا اینان چون توان اجابت خواسته های شخصی خود را ندارند، حاکمیت باید برای آنان برنامه و تدبیر ویژه داشته باشد. سازمان بهزیستی با اجرای «طرح رسیدگی در خانه» در واقع درصدد اجرای همین فرمان است.

۱۶- اجرای طرح ارزاق و رهاسازی از مشکلات برای افراد دارای معلولیت شدید

فَأَجْرِ لَهُمْ ارزاقاً فَإِنَّهُمْ عِبَادُ اللَّهِ فَتَقَرَّبْ إِلَى اللَّهِ بِتَخَلُّصِهِمْ. برای آنان ارزاق بفرست؛ چون آنان بندگان خدا هستند و با رهایی آنان از مشکلات و زندگی فلاکت بار، نزد خداوند تقرب پیدا کن.

حضرت از واژه أَجْرٍ (فعل امر اجری یجری) به معنای اجرایی و عملیاتی کردن مصوبه ی ارزاق برای افراد دارای معلولیت شدید، استفاده کرده است. یعنی احتیاجات اولیه معلولین شدید را مصوب و به صورت مقرری ثابت اجرایی کن. در ادامه تَخَلُّصٌ و رهایی معلولین از این وضعیت را همان تقرب الهی دانسته و امور اجتماعی معلولین را با تقرب الهی برابر می داند.

۱۷- ضرورت استقرار آنان در جایگاه مناسب حالشان با حقوق مکفی

و وَضَعَهُمْ مَوَاضِعَهُمْ فِي أَقْوَاتِهِمْ وَحَقُوقِهِمْ، فَإِنَّ الْأَعْمَالَ تُخَلِّصُ بِصِدْقِ النِّيَّاتِ. با تأمین نیازهای ضروری و حقوق اولیه مددجویان، وضعیت آنان را تثبیت کن؛ خلوص این اعمال بستگی به صداقت و نیت پاک تو دارد.

معلولان با تأمین نیازها و حقوق شان در جایگاه و مواضع واقعی شان قرار می گیرند؛ به شرط اینکه مددکاران، اندیشه و نیت صادقانه داشته باشند. اما اگر نیت استفاده ابزاری از معلولان در میان باشد، نمی توان آن را در جایگاه درست نشانند؛ چون اموال و امکاناتی که حق معلولان است به آن ها صحیح داده نمی شود.

۱۸- پرهیز از مخفی کاری و ادای حقوق با شفافیت

آنه لا تسكن نفوس الناس او بعضهم الى أنك قد قضيت حقوقهم بظهر الغيب دون مشافهتك بالحاجات وذلك على الولاة ثقيل والحق كله ثقيل. مردم یا بعضی از آنان به صرف ادای حقوق شان به روش مخفیانه راضی نخواهند شد و خواستار حضور در جریان امور و شفافیت هستند.

حضرت روش اداره معلولین را معرفی و عکس العمل مددجویان را هم تبیین می کند. مدیران مددکاری معمولاً دوست دارند به روش مخفی و به دور از انظار فعالیت کنند و علاقه ای به بیان آمار و ارقام و اطلاع رسانی شفاف ندارند. فعالیت برای تأمین حقوق را می خواهند مخفی باشد. در مقابل بعضی از مددجویان بدبین هستند و ادای حقوق خود را صرفاً نمی خواهند بلکه حقوق شان را با شفافیت، مشارکت و حضور در اجرای مراحل تأدیه حقوق خواستاراند. در حالی که اجرای این شیوه برای مدیران سخت و سنگین است. البته اجرای همه جانبه حق مشکل است. از نظر امام، حق با دادن ارزاق و تأمین نیازهای مددجویان تمام نمی شود؛ بلکه فراگیرتر و جامع تر است و شامل شیوه اجرای حق و تأمین مایحتاج هم می شود و مددجویان باید در جریان چگونگی تأمین حقوق شان قرار گیرند. از طرف دیگر مدیران باید با اطلاع رسانی و شفافیت و جلب مشارکت و حضور معلولین اعتماد آنان را جلب نمایند. این شیوه مشکل و پیچیده، چون موجب فرهنگ سازی و شخصیت سازی معلولان می شود، سودمند است.

۱۹- ضرورت تدبیر و برنامه، درخواست برای شکیبایی همگانی در برابر ناملایمات و اطمینان به آینده

وقد يُخَفِّفُهُ اللَّهُ عَلَى أَقْوَامٍ طَلَبُوا الْعَاقِبَةَ فَصَبَرُوا وَنَفَسَ بِهِمْ وَثَقُّوا بِصَدَقِ مَوْعِدِ اللَّهِ لِمَنْ صَبَرَ وَاحْتَسَبَ فَمَنْ مَنَّهُمُ وَاللَّهُ خَدَّائِدٌ يُخَفِّفُ حَقَّ رَأْسِ بَعْضِ أَقْوَامِ آسَانَ مِي گَرْدَانَد كِه بَا تَدْبِير وَهَدْفَمَنْد كَار مِي كَنْنَد، بَا خُودسَازِي آحَاد جَامِعَه رَا وَاَدَار بَه شَكِيْبَایِي كَرْدَه وَ بَه وَعَدَه هَايِ الهِي دَر مَوْرِد صَابَرِيْن وَ مَحْتَسِبِيْن اَعْتِمَاد دَارَنْد. اَز اَيْنِرُو اَز اَيْنِ گِرُوَه بَاش وَ اَز خَدَاوَنْد اِسْتَعَاْنَت بَخَوَاه.

پس از معرفی حق به عنوان برنامه سنگین و سخت، راه کاری برای آسان سازی اجرای حق عرضه می کند و می فرماید: خداوند تحت شرایطی مشکلات و موانع بر سر اجرای حق را برداشته و راه حق طلبی را آسان می نماید؛ به شرط اینکه مدیران عاقبت طلب باشند و هدفمند کار کنند. یعنی برای کارهایشان و از جمله برای اجرای حق و تأمین حقوق معلولین طرح، برنامه و خط مشی داشته باشند. اما صرف داشتن طرح و برنامه و هدف کافی نیست و نیاز به تصبیر و درخواست همگانی برای صبر در مقابل ناملایمات و پرهیز از عافیت طلبی هم هست. از طرف دیگر به وعده های الهی در مورد صابرین و محتسبین هم اعتماد و اطمینان باید داشته باشند. محتسبین یا مدیران منفعت سنج و حساب گر و با تدبیر، از مشکلات هراس ندارند و صابراند مورد توجه خداوند بوده و خداوند در قرآن کریم، وعده داده آنان را مساعدت می کند تا موفق شوند. بنابراین مدیرانی می توانند کل حق یا همه ابعاد و جوانب حقوق معلولین را تأمین نمایند که سه ویژگی مزبور را داشته باشند و خداوند اجرای حقوق معلولین را بر آنان آسان می گرداند.

۲۰- تأسیس اداره ای برای مددجویان زیر نظر حاکم

و اجعل لذوی الحاجات منك قسماً تُفَرِّغُ لَهُمْ فِيهِ شَخْصَكَ. برای افراد دارای معلولیت (ذوی الحاجات) یک بخش اداری دایر کن و شخصی را از جانب خودت بر آن منصوب کن.

به نظر حضرت، حق معلولین است که در ساختار اداری، دیوانی و اجرایی کشور، یک سازمان ویژه معلولین تأسیس شود و نماینده عالی ترین مقام در رأس این سازمان حضور داشته باشد. مالک اشتر به عنوان عالی ترین مقام در مصر باید چنین سازمانی را تأسیس و شخصی از معتمدین خودش را در رأس آن بگمارد. این فرمان دلالت دارد به اینکه، سخنان امام صرفاً اخلاقی نیست و حتماً باید اجرایی شود. و برای اجرایی کردن آن باید ساز و کارهای لازم را فراهم آورد.

حضرت نکات ریز ولی پر معنایی در این عبارات به کار برده است. واژه «منک» یعنی متولی باید تشکل معلولین را خودش ایجاد کند و در واقع زیر نظر خودش باشد، به دیگران یا به سازمان های زیر مجموعه ای دولت نسپارد.

گویا سازمان بهزیستی بر اساس همین دستورات حضرت تأسیس شده است. و در قانون جدید حمایت از معلولان هم همین نکته مورد توجه است.

بعضی از نسخه ها اینگونه دارد تفرغ لهم فیه شخصک و ذهنک فی کل شغل (تحف العقول، ص ۲۸۶). وقتی به این سازمان آمدی، خودت و ذهنت را از همه مشغله ها آزاد و فقط به امور مددجویان رسیدگی کن. برخی مترجمین قسم را وقت معنا کرده اند (همان).

۲۱- تشکیل جلسات عمومی گفت و گو و مناظره

و تجلس لهم مجلساً عاماً. نشست عمومی با آن ها داشته باش.

حضرت به مالک اشتر می فرماید: تو به عنوان متولی و استاندار در کنار معلولین مصر بنشین و با آنان نشست عمومی و فراگیر داشته باش. یعنی حق افراد دارای معلولیت است که استاندار و متولی امور با آن ها تشکیل جلسه دهد به درد و دل آن ها گوش بسپارد، سخنان آنان را بشنود و به خواسته های آن ها رسیدگی کند. جلسه خصوصی و نشست های دو نفره با معلولین داشتن هدف امام نیست بلکه تأکید به تشکیل جلسه عمومی دارد. در گفت و گوی عمومی، تضارب آراء پدید می آید، نقد و انتقاد می شود، معارفه و شناخت یکدیگر و بالاخره هم افزایی و رشد پدید می آید. معلولان به دلیل روان شناسی خاصی که دارند، نیاز مبرم به گفت و گو و جلسات عمومی دارند. اساساً این تدبیر به یک شیوه درمانی و سازندگی برای آنان است.

کسانی مثل عبدالله ابن ام مکتوم نابینا در آن دوره حضور داشتند. اینان نخبگان جامعه بودند و نشست با این افراد، در واقع استفاده از تجارب و دیدگاه های آن ها بود. از این رو جلسه داشتن با معلولین فقط با هدف رسیدگی به نیازمندی های آن ها نبوده بلکه تأثیرهای این چنین هم داشته است.

در نسخه دیگر این فرمان به این صورت آمده است: ثم تَأْذَنُ لَهُمَ عَلَيْهِمْ وَتَجْلِسُ لَهُمْ مَجْلِسًا. یعنی اجازه بام عام دادن به آنان خواهی داد و با آنان در مجلس خواهی نشست (تحف العقول، ص ۲۸۶). واژه عام که بعد از مجلس در نسخه صبحی صالح آمده همان تأذن لهم علیه است و این دو یک معنا دارند. از این رو در هر دو نسخه معنا یکی است.

۲۲- فروتنی در مجلس عمومی مددجویان و سپردن جلسه به آنان

فتواضع فيه لله الذي خلقك. در مجلس معلولین به خاطر خدایی که تو را آفریده، تواضع کن.

فردی مثل مالک اشتر که خداوند او را در کمال صحت و با بدنی کامل آفریده، نباید نسبت به کسانی که نقصی مثل فقدان حس بینایی دارند، غرور و تکبر داشته باشد. چون معلولین هر چند فاقد حسی هستند ولی جنبه های دیگر جسمی آنان قوی تر است. نابینایان گرچه فاقد حس بینایی هستند ولی در لمس و در شنوایی و در حافظه از انسان های عادی برتر می باشند.

حضرت می فرماید: ای مالک به خاطر اینکه خداوند تو را کامل آفریده، نسبت به افراد دارای معلولیت تکبر و غرور نداشته باش بلکه تواضع نما. بنابراین از جمله حقوق معلولین تواضع متولی و مدیران ارشد نسبت به آنان است.

تواضع یعنی انسان خود را برتر و بالاتر از دیگران نبیند و دیگران را کوچک و خوار نشمارد. اصلی ترین مشکل معلولین در همین نکته است. افراد عادی و بعضی از مدیران جامعه در سخن یا در رفتار یا در عمل آنان را کوچک شمردن و تحقیر کرده اند. کوچک شمردن معلولین زمینه ساز تبعیض علیه آنان می شود و بسیاری از مشکلات از همین جا نشئت می گیرد.

اما مصداق تواضع در اینجا یعنی در جلسه عمومی، یکه تاز و متکلم وحده نباشد؛ اجازه بدهند حضار هم مشارکت داشته و سخن بگویند. تریبون و میکروفن را به آنان بسپارد و خودش مستمع باشد. نیز آداب مباحثه را رعایت کند. اگر کسی انتقادی مطرح کرد و حتی به رئیس دولت پرخاش نمود، او را

تهدید نکند، اجازه دهد حرفش را بزند و بعد با استدلال و منطق پاسخ بدهد. البته معلولین هم با ادب و اخلاق نیک با رئیس برخورد کنند. فرصت طلبی نکرده و هر آنچه در دل دارند بر سر رئیس بریزند. اما در نسخه دیگر این فرمان اینگونه آمده است: تتواضع فيه لله الذي رفعك (تحف العقول، ص ۲۸۶). یعنی به جای خلقک، رفعک آمده است.

۲۳- دسترسی آسان مددجویان به مسئولین دولتی با حذف نگاهبانان

و تَقَعِدْ عَنْهُمْ جندک واعوانک من احراسک و شُرَطِک. پاسداران، پاسبان ها، سربازان، نزدیکان و یاران خود را از سر راه آنها دور کن.

حق معلولین است تا با متولی و مدیران ارشد جامعه بدون ترس و لرز ارتباط داشته باشند. معلولین که توانایی آسیب رساندن به کسی را ندارند، از این رو به هنگام ارتباط با مقامات نیازی به نیروهای امنیتی و انتظامی نیست. از این رو معلولین باید بتوانند با مقامات ارتباط ساده و سازنده داشته باشند و مسئولین هم باید شرایط مناسبات پویا را فراهم آورند.

۲۴- لزوم برپایی جلسات آبرومند جهت مراجعات مددجویان یا مواجهه رئیس با آنان با آغوش باز

تَخْفِضُ لَهُمْ فِي مَجْلِسِكَ ذَلِكُ جَنَاحِكَ وَ تَلِينُ لَهُمْ كَنَفِكَ فِي مَرَاجَعَتِكَ وَ وَجْهَكَ. جلسه ای فاخر برای آنان تشکیل می دهی و به هنگام مواجهه با آنان یا مراجعه به تو، با نرم خوئی آنان را در آغوش می کشی.

تخفص لهم جناحک مثل آیه اخفص لهما جناح، اصطلاح و به معنی اقدام و عملی همراه با فروتنی است. تلین لهم کنفک نیز اصطلاح و به معنای برخورد با مخاطب با نرمی است. یعنی وقتی مددجویان به تو مراجعه کردند و با آنان مواجهه پیدا کردی، در گفتار و رفتار خشونت نخواهی داشت بلکه مدارا، تواضع و نرمی خواهی داشت.

تخفص لهم جناحک در اصل به معنای گشودن و پهن کردن بال ها و کنایه از برخورد محبت آمیز است. تلین لهم کنفک به معنای در آغوش کشیدن و کنایه

از نشان دادن علاقه و دوستی به مخاطب با برخورد ملایم و نرم با او است. خلاصه حضرت از چند اصطلاح و تعبیر استفاده کرده تا ضرورت تشکیل جلسات آن چنانی فاخر را بفهماند. جلساتی که مدیر باید امکانات خود را مثل بال بگستراند تا مددجویان با اطمینان در کنار ریاست قرار گیرند. رئیس هم با آغوش باز و لین از آنان استقبال نماید. حضرت با این تعابیر درصدد بیان روابط نزدیک مددجویان و مددکاران و علاقه های دو طرف به هم بوده است.

۲۵- ارتباط و مناسبات تنگاتنگ و انسانی مددجو و مددکار

حتى يُكَلِّمَكَ متكلمهم غير مُتَعْتِع. تا اینکه سخنگوی مددجویان بدون اضطراب با تو سخن بگوید.

همه مددجویان نمی توانند با متولی جامعه سخن بگویند، از اینرو باید سخنگویی به عنوان نماینده انتخاب کنند. سخنگویی که امین آنان است باید بتواند نیازها و خواسته های آنان را به گوش متولی جامعه برساند.

این بند بیانگر یکی دیگر از حقوق معلولین است. آنان حق دارند با مقامات و مدیران ارشد جامعه به راحتی و آرامش سخن بگویند و از طرف دیگر مسئولین و مدیران باید شرایط ارتباط سالم و سازنده خودشان با مددجویان را فراهم نمایند.

امام علی(ع) در اینجا به روایتی از رسول خدا(ص) استناد می کند و می فرماید بارها از رسول خدا(ص) شنیدم که می فرمود: لَنْ تُقَدَّسَ امَةٌ لَا يُؤَخَذُ لِلضَّعِيفِ فِيهَا حَقُّهُ مِنَ الْقَوِيِّ غَيْرِ مُتَعْتِعٍ. یعنی جامعه ای که نتواند حقوق ضعیف را از قوی بدون هراس بگیرد، هرگز رستگار نخواهد شد.

۲۶- تحمل رفتار غیر متعارف مددجویان و عدم برخورد امنیتی و قضایی با آنان

ثُمَّ احْتَمَلِ الْخُرْقَ مِنْهُمْ وَالْعِيَّ. درشتی و سخنان غیرمطلوب معلولین را تحمل کن.

معلولین به دلیل فشارهای روحی و روانی ناشی از مشکلات گاه عرصه بر آنها تنگ شده و رفتارهای غیرمتعارف یا سخنان خلاف عادت و درشت از آنها بروز

می‌کند. آیا باید آنان را محاکمه و مجازات کرد یا باید با آنان به تسامح رفتار نمود؟ امام به مسئولین امور دستور داده که رفتار و سخنان درشت و غیرمطلوب آنان را تحمل کرده و آنان را مجازات نمایند. هر چند در جاهای دیگر از معلولین هم خواسته شده ادب و نزاکت و محسنات اخلاقی را رعایت کنند. بهر حال از حقوق معلولین این است که رفتارهای غیرمتعارف آنان عفو و بخشیده شده و متولیان قضایی و مسئولین انتظامی باید نسبت به آنان گذشت داشته و با رأفت و رحمت با آنان برخورد نمایند.

۲۷- روابط مددجویان و مددکاران بدون خشونت و استبداد

و نَحَّ عَنْهُمْ الضِّيقَ وَالْأَنْفَ. دور کن از معلولین استبداد و خشونت را.

به نظر حضرت دو آفت استبداد و خشونت آثار منفی بسیار در پی دارد و به مالک دستور می‌دهد این آفات را از جامعه و فرهنگ معلولین بزداید. متولی و حاکم اگر به جای باز کردن فضا و آزادی دادن به مردم و اجرای شیوه‌های تساهلی و تسامحی، فضای جامعه را ضیق و بسته کند، مردم را زیر انواع فشارهای امنیتی و پلیسی نگه دارد و به روش خشونت آمیز با مردم رفتار نماید، نخبگان از این جامعه کوچ خواهند کرد، ابتکار و خلاقیت متفکران نابود خواهد شد، شادی و امید به زندگی و روحیه امیدواری از بین می‌رود و خلاصه ده‌ها پیامد منفی خواهد داشت. به نظر حضرت، حق معلولین است که در جامعه‌ای آزاد و با طراوت و به دور از خشونت زندگی کنند و متولی جامعه وظیفه دارد چنین شرایطی را برای آنان فراهم آورد.

حضرت در ادامه می‌فرماید: *يَسْطُرُ اللَّهُ عَلَيْكَ بِذَلِكَ أَكْنَافَ رَحْمَتِهِ* و *يُوجِبُ لَكَ ثَوَابَ طَاعَتِهِ*. یعنی در جامعه بدون خشونت و استبداد و ظلم، در رحمت‌های الهی باز شده و در همه جای آن رفاه و پیشرفت بسط پیدا می‌کند. همچنین فرهنگ دینی و اطاعت از دستورات الهی تحقق می‌یابد.

۲۸- سرویس دهی و خدمات رسانی به شیوه انسانی و کریمانه

فَأَعْطِ مَا أُعْطِيَ هِنِيئًا. آن چه می‌دهی، با بزرگی منشی اعطا کن.

ص: ۳۱

حضرت خطاب به مالک اشتر می فرماید تو به عنوان استاندار مصر، به مددجویان، اموال از خوراکی، پوشاکی و دیگر مایحتاج زندگی اعطا خواهی کرد، این ها را با چهره عبوس و با غرغر کردن و با سختی اعطا نکن بلکه هر آن چه اعطا می کنی باید به شیوه کریمانه و بزرگوارانه اعطا نمایی. امام شیوه ایده آل خدمات رسانی به معلولین را در این بند بیان کرده است. امام قبلاً وظایفی مثل پرداخت حقوق از بیت المال، سرویس دهی ارزاق و خوراک و غیره را به دوش متولی جامعه گذاشت. اکنون می فرماید این ها را باید بدون تحقیر کردن و به روش کاملاً بزرگوارانه و کرامت انسانی مددجویان انجام بدهی.

۲۹- تعطیلی خدمات رسانی به مددجویان همراه با بیان موانع و اطلاع رسانی و معذرت خواهی

وامع فی اجمال و اعدار. خدمات رسانی را به دلیل کمبودها ممنوع کن البته همراه با معذرت خواهی. حضرت در فرمان پیش فرمود عطا کن و خدمات رسانی داشته باش البته با بزرگواری و به روش انسانی و اینجا می فرماید اگر در اجمال بودی و وضعیت طوری بود که توانایی خدمات رسانی نداشتی، خدمات را تعطیل کن اما همراه با اعدار و بیان موانع.

چند نکته در این سخن هست: ۱- خدمات دهی به مددجویان یک قانون واصل است و بدون دلیل نباید تعطیل گردد، مگر اینکه امکانات به اندازه کافی نباشد. ۲- هرگاه خدمات رسانی را خواستی تعطیل کنی، حتماً اعدار کن و موانع پیش رو و واقعیت ها را با مردم در میان بگذار. با مردم شفاف باش و اطلاع رسانی درست و به هنگام داشته باش. ۳- هر جا نتوانستی نیازها و خواسته های معلولین را کاملاً انجام دهی و به دلیل موانع، نیازهایشان نیمه کاره رها شد و به تمامی برآورده نشد؛ با مهربانی معذرت خواهی کن. اینان حق دارند امور آنها به تمامی و کمال اجرا گردد. اما اگر به هر دلیل اجرا نشد، باید متولیان امور از آنان معذرت خواهی کنند. متأسفانه معذرت خواهی در جامعه ما یک عرف نشده

است. اگر مسئولین و متولیان امور معلولین به سخن مولا- علی(ع) گوش بسپارند و به آن عمل کنند، بسیاری از مشکلات موجود هم مرتفع می گردد.

۳۰- تعیین معاونان و مدیران شایسته با اخلاقیات انسانی عالی و تجربیات کارآمد

و تواضع هناك فإن الله يحب المتواضعین ولیکن أكرم أعوانك عليك الینهم جانباً و أحسنهم مراجعاً والطفهم بالضعفاء. در مقابل مددجویان تواضع کن چون خداوند متواضعان را دوست دارد. لیکن فروتنی منحصر به خودت نیست و دستیاران و معاونان هم باید کریم تر، نرم خوتر، خوش برخوردتر و ضعیف نوازتر باشند.

این آخرین بند از مجموعه توصیه ها و حقوقی است که حضرت برای مددجویان بر شمرده است. مالک را از تکبر و خود بزرگ بینی نهی کرده و در عوض به فروتنی و تواضع فرمان داده است. نیز در مورد مدیران و عوامل زیر دست حاکم نیز شایسته سالاری را توصیه می کند، نه اینکه افرادی را به دلیل روابط و مناسبات به سر کار بگماری؛ بلکه کسانی که کریم تر، نرم خوتر، خوش رفتارتر و دارای لطف و مرحمت بیشتر نسبت به ضعیفان هستند به کار می گماری.

تشکیلات معلولین اگر مدیرانی با این چهار ویژگی داشته باشد، تمامی مشکلات و معضلات مرتفع خواهد شد. این چهار ویژگی عبارت اند از: معاونان حاکم دارای کرامت بیشتر؛ لین و نرم خوترین افراد نسبت به مخالفین و نافرمانان؛ دارای زیباترین صفات اخلاقی و رفتار انسانی نسبت به ارباب رجوع و بالاخره لطیف ترین و با لطف و مرحمت ترین کسان نسبت به ضعفا. اگر چنین افرادی در رأس سازمان معلولین قرار گیرند، کارآمدترین نهاد خواهد شد.

توصیه های سی گانه امام علی (ع) به مالک اشتر، سخنان صرفاً تاریخی یا اخلاقی نیست بلکه منشوری است که هم وظایف مددجویان و مددکارها را روشن ساخته و هم راز و رمزهای موفقیت جامعه معلولان را با استدلال و برهان تبیین کرده است. فقط مجموعه قوانین نیست بلکه علاوه بر قانون، عاملان به این قوانین را هم توجیه و آگاه کرده است.

امام از مالک اشتر به عنوان متولی جامعه مصر خواسته تا این حقوق را اجرایی و عملیاتی کند و شرایط و بستر تحقق آن ها را فراهم آورد. در غیر این صورت مشروعیت حکومتش مخدوش می شود. امام چه زیبا می فرماید: فان هولاء من بین الرعیه احوج الی الانصاف من غیرهم. معلولین در بین همه اقشار جامعه اسلامی به عدالت محتاج تراند. زیرا تا کنون درباره آن ها تبعیض و ظلم روا رفته و در شرایط تأسف آور زندگی کرده اند. به عبارت دیگر اولویت دستگاه اجرایی، رفع ظلم و تبعیض از این قشر است. گویا در آن دوره هم شرایط به گونه ای بوده که ناشنویان، نابینایان، معلولین حرکتی و ذهنی دچار تبعیض و بی انصافی بوده اند.

امام با قلبی آکنده از محبت معلولان می فرماید: کل فاعذر الی الله فی تأدیه حقه الیه. از خداوند به خاطر عدم تأدیه حقوق آنان معذرت بخواه.

مجموعه حقوق مزبور مشتمل بر سی فرمان و توصیه، می تواند در جهان مدرن امروزی هم، کارآیی و مقبولیت داشته باشد. زیرا مشتمل بر نکات بدیع و استوار است. متأسفانه تا کنون این مجموعه به جهان معرفی نشده است. با اینکه سازمان های بین المللی و نهادهای حقوقی جهان اگر متوجه شوند در پانزده سده پیش چنین سخنانی گفته شده، حتماً استقبال خواهند کرد.

امیدوارم با تلاش های متفکران و رسانه ها زمینه های شرح و بسط، نیز تدریس این منشور در همه مراکز آموزشی، تربیتی و تحقیقاتی فراهم شود. به ویژه در مدارس استثنایی به صورت کتاب درسی در اختیار دانش آموزان قرار گیرد.

تقنین بر اساس سخنان امام علی علیه السلام

اینگونه سخنان معصومین(ع) و نیز آیات قرآن که بیانگر شئون، مناسبات و قواعد حاکم بر جامعه مددجویان است، لزوماً باید به عنوان منبع و مصدر اولیه در قانون نویسی و قانون گذاری استفاده شود. اما پس از تحقیق و بررسی فراوان متوجه شدم چنین نبوده است و در جریان قانون گذاری به اینگونه اسناد و مدارک تا کنون اهمیتی نشده است. با اینکه مهم ترین و اصلی ترین منبع است. نخستین قانون ویژه معلولین یعنی قانون مناسب سازی در ۱۳۶۷ در مجلس شورای اسلامی تصویب شد و نخستین مجموعه قوانین جامع معلولین ایران در سال ۱۳۸۳ در همان مجلس تصویب شد. در سال ۱۳۸۷ قانون الحاق به کنوانسیون جهانی حمایت از معلولین تصویب شد و بالاخره از سال ۱۳۹۲ تا کنون دولت و مجلس در صدد قانون جامع دیگری هستند. در همه این مراحل لزوماً باید آیات و احادیث به عنوان متن راهنما و مرجع اصلی مورد توجه قرار می گرفت. تدوین و تهیه این کتاب مشتمل بر قطعه ای از عهدنامه مالک اشتر، باید در همه بخش های اداری سازمان بهزیستی مورد توجه و اهتمام قرار گیرد. به ویژه از کارشناسان سازمان بهزیستی و دیگر نهادهایی که درگیر تقنین برای معلولین هستند تمنا می کنم اول و پیش از همه به این کتاب عنایت ویژه داشته باشند.

درس های مهم که می توانیم از فرمایشات امام فرا بگیریم عبارت اند از:

۱- ایجاد نظام حمایتی و راه اندازی نظام تأمین اجتماعی برای معلولین یک اصل است.

۲- کل جامعه و جامعه مددجویان به عنوان جامعه خرد ضرورتاً نیاز به قانون دارد.

۳- ایجاد تشکل و سازمان برای اجرایی کردن قوانین لازم است.

۴- قانون گذاری و قانون پذیری و نیز جامعه پذیری یک اصل مهم است.

۵- جامعه صرفاً با توصیه های اخلاقی اصلاح نمی شود و حتماً نیاز به قانون دارد.

۶- جامعه بدون خط مشی هدف دار و تدبیر اصلاح نمی شود و نیاز به برنامه ریزی دارد.

۷- حضرت، سطر اول عهدنامه به خط مشی کلان دولتش می پردازد و چهار هدف اصلی را به این صورت بر شمرده است: اصلاح جامعه، آبادانی مملکت، دفع دشمنان و جمع آوری مالیات جهت امور اقتصادی. این اهداف بر جامعه معلولین هم انطباق دارد.

۸- امام در این عهدنامه جامعه را به هفت گروه و طبقه از جمله معلولین تقسیم می کند. اولاً این طبقات به یکدیگر احتیاج دارند و بدون مساعدت و مشارکت دیگر طبقات، معلولین سامان و اصلاح نمی یابند. از این رو نظریه ضرورت تقسیم بندی امور اجتماعی و تقسیم کار در جامعه را متذکر شده ولی استقلال آن ها را نمی پذیرد بلکه وابستگی آن ها را قطعی می شمارد.

۹- حضرت می فرماید هر طبقه سهمی از وظایف اجتماعی و مشارکت مدنی و حقوق خاصی دارد. نیز مقررات و قوانین هر طبقه از جمله معلولین در قرآن کریم و سنت نبوی و پیمان محفوظ نزد امام بیان شده است (كُلًّا قَدْ سَيَّمِي اللَّهُ لَهُ سَهْمَهُ وَ وَضَعَ عَلَيَّ حَدَّ فَرِيضَتِهِ فِي كِتَابِهِ أَوْ سُنَّةِ نَبِيِّهِ (ص) وَعَهْدًا عِنْدَنَا مَحْفُوظًا).

بنابراین قواعد و ضوابط جامعه مددجویی در سه منبع قرآن، سنت نبوی و عترت درج شده است. در این دوره عالمان و کارشناسان موظف اند این موارد را کشف و در اختیار دستگاه قانون گذاری قرار دهند.

۱۰- مردم ایران به دلیل مسلمان بودن از نهادهای تقنینی و اجرایی انتظار دارند، به هنگام تصمیم سازی و اقدامات کلان حقوقی به منابع و مصادر

اسلامی اهتمام داشته باشند. و همه ما باید به این خواست مردم عنایت داشته و آن را محترم بشماریم.

این نکات راه گشای امور افراد دارای معلولیت و موجب حل معضلات آن ها، نیز بهره مندی جامعه از توانایی ها و خلاقیت های آنان می تواند باشد.

متن عهدنامه

این متن در نهج البلاغه های مختلف که افراد محقق تحقیق کرده اند و نیز در مجامع روایی مثل بحارالانوار و تحف العقول در برخی جملات، اندک اختلافاتی دارد. تلاش کردیم از کامل ترین متن استفاده شود. از این رو متن تحف العقول را که همراه با تحقیق و ترجمه آیت الله احمد جنتی منتشر شده، اصل قرار دادیم. به هنگام ترجمه واژه ها و عبارت ها، تلاش شد همه ترجمه ها دیده شود و بر اساس فرهنگ معلولیتی برگردان انجام شود. زیرا حضرت به دلیل سیطره بر علوم مختلف، از اصطلاحات و تعابیر تخصصی استفاده نموده است.

عَهْدُهُ (ع) إِلَى الْأَشْتَرِ

حِينَ وَلَّاهُ مِصْرَ وَأَعْمَالَهَا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هَذَا مَا أَمَرَ بِهِ عَبْدُ اللَّهِ عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ مَالِكُ بْنُ الْحَارِثِ الْأَشْتَرِ فِي عَهْدِهِ إِلَيْهِ حِينَ وَلَّاهُ مِصْرَ، جَبَايَةَ خَرَاجِهَا وَ مُجَاهَدَةَ عَدُوِّهَا وَ اسْتِصْلَاحَ أَهْلِهَا وَ عِمَارَةَ بِلَادِهَا.

ثُمَّ اعْلَمْ أَنَّ الرَّعِيَّةَ طَبَقَاتٌ لَا يَصْلُحُ بَعْضُهَا إِلَّا بِبَعْضٍ وَ لَا غِنَى بِبَعْضِهَا عَنْ بَعْضٍ فَمِنْهَا جُنُودُ اللَّهِ، وَ مِنْهَا كُتَّابُ الْعَامَّةِ وَ الْخَاصَّةِ، وَ مِنْهَا قُضَاةُ الْعَدْلِ، وَ مِنْهَا عُمَّالُ الْإِنصَافِ وَ الرَّفْقِ، وَ مِنْهَا أَهْلُ الْجَزْيَةِ وَ الْخَرَاجِ مِنْ أَهْلِ الدِّمَّةِ وَ مُسْلِمَةِ النَّاسِ، وَ مِنْهَا التَّجَارُ وَ أَهْلُ الصَّنَاعَاتِ وَ مِنْهَا الطَّبَقَةُ السُّفْلَى مِنْ ذَوِي الْحَاجَةِ وَ الْمَسْكِنَةِ وَ كَلَّا قَدْ

سَمَى اللَّهُ لَهُ سَهْمَهُ وَوَضَعَ عَلَى حَدِّ فَرِيضَتِهِ فِي كِتَابِهِ أَوْ سُنَّه نَبِيَّهِ (ص) وَعَهْدًا عِنْدَنَا مَحْفُوظًا.

ثُمَّ اللَّهُ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ وَالْمَسَاكِينِ وَالْمُحْتَاجِينَ وَذَوِي الْبُؤْسِ وَالرِّمَى، فَإِنَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَانِعًا وَ مُعْتَرًا فَاخْفِظِ اللَّهُ مَا اسْتَحْفَظَكَ مِنْ حَقِّهِ فِيهَا وَاجْعَلْ لَهُمْ قِسِمًا مِنْ غَلَّتِ صَوَافِي الْأَسْيَافِ فِي كُلِّ بَلَدٍ، فَإِنَّ لِلْأَقْصَى مِنْهُمْ مِثْلَ الَّذِي لِلْأَدْنَى. وَكُلًّا قَدْ اسْتَرْعَيْتَ حَقَّهُ فَلَا يَشْعُنَنَّكَ عَنْهُمْ نَظْرٌ، فَإِنَّكَ لَا تُعْذَرُ بِتَضْيِيعِ الصَّغِيرِ لِأَحْكَامِكَ الْكَثِيرِ الْمُهْمِّمِ، فَلَا تُشْخِصْ هَمَّكَ عَنْهُمْ، وَلَا تُصَيِّرْ حُدُوكَ لَهُمْ وَتَوَاضَعِ لِلَّهِ يَرْفَعَكَ اللَّهُ وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلضُّعْفَاءِ وَارْبِهِمْ إِلَى ذَلِكَ مِنْكَ حَاجَةٌ وَتَفَقُّدُ أُمُورِهِمْ مَا لَا يَصِلُ إِلَيْكَ مِنْهُمْ مِمَّنْ تَفْتَحِمُهُ الْعُيُونُ وَتَحْقِرُهُ الرِّجَالُ، فَفَرِّغْ لِأَوْلِيَّتِكَ ثِقَتَكَ مِنْ أَهْلِ الْخَشْيَةِ وَالتَّوَاضَعِ فَلْيَرْفَعْ إِلَيْكَ أُمُورَهُمْ، ثُمَّ اعْمَلْ فِيهِمْ بِالْإِعْذَارِ إِلَى اللَّهِ يَوْمَ تَلْقَاهُ، فَإِنَّ هَؤُلَاءِ أَحْوَجُ إِلَى الْإِنْصَافِ مِنْ غَيْرِهِمْ وَكُلُّ فَاغِذِرْ إِلَى اللَّهِ فِي تَأْدِيَةِ حَقِّهِ إِلَيْهِ. وَتَعَهَّدْ أَهْلَ الْيَتِيمِ وَالرِّمَانَةَ وَالرَّقِيقَةَ فِي السَّنِّ مِمَّنْ لَا حِيلَةَ لَهُ وَلَا يَنْصَبُ لِلْمَسِيئَةِ نَفْسَهُ فَأَجْرُ لَهُمْ أَرْزَاقًا فَإِنَّهُمْ عِبَادُ اللَّهِ فَتَقَرَّبْ إِلَى اللَّهِ بِتَخَلُّصِهِمْ وَوَضْعِهِمْ مَوَاضِعَهُمْ فِي أَقْوَاتِهِمْ وَحُقُوقِهِمْ، فَإِنَّ الْأَعْمَالَ تَخَلُّصُ بِصِدْقِ التِّيَّاتِ. ثُمَّ إِنَّهُ لَا تَسِيكُنُ نَفُوسَ النَّاسِ أَوْ بَعْضَهُمْ إِلَى أَنْتَكَ قَدْ قَضَيْتَ حُقُوقَهُمْ بِظَهْرِ الْعَيْبِ مُشَافَهَتِكَ بِالْحَاجَاتِ وَذَلِكَ عَلَى الْوَلَاةِ ثَقِيلٌ. وَالْحَقُّ كُلُّهُ ثَقِيلٌ. وَقَدْ يُخَفِّفُهُ اللَّهُ عَلَى أَقْوَامٍ طَلَبُوا الْعَاقِبَةَ فَصَبَّرُوا نَفُوسَهُمْ وَوَثِقُوا بِصِدْقِ مَوْعُودِ اللَّهِ لِمَنْ صَبَرَ وَاحْتَسَبَ فُكُنْ مِنْهُمْ وَاسْتَعِنَ بِاللَّهِ. وَاجْعَلْ لِذَوِي الْحَاجَاتِ مِنْكَ قِسِمًا تَفَرِّغْ لَهُمْ فِيهِ شَخْصَكَ وَذِهْنَكَ مِنْ كُلِّ شُغْلٍ، ثُمَّ تَأْذِنُ لَهُمْ عَلَيْكَ وَتَجْلِسُ لَهُمْ مَجْلِسًا تَتَوَاضَعُ فِيهِ لِلَّذِي رَفَعَكَ. وَتُقَعِّدُ عَنْهُمْ جُنْدَكَ وَأَعْوَانَكَ مِنْ أَحْرَاسِكَ وَشُرَطِكَ تَخْفِضُ لَهُمْ فِي مَجْلِسِكَ ذَلِكَ جَنَاحَكَ وَتَلِينُ لَهُمْ كَنَفَكَ فِي مُرَاجَعَتِكَ وَوَجْهَكَ حَتَّى يُكَلِّمَكَ مُتَكَلِّمُهُمْ غَيْرَ مُتَتَعِّعٍ، فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ فِي غَيْرِ مَوْطِنٍ: «لَنْ تُقَدَّسَ أُمَّةٌ لَا يُؤْخَذُ لِلضَّعِيفِ فِيهَا حَقُّهُ مِنَ الْقَوِيِّ غَيْرَ مُتَتَعِّعٍ». ثُمَّ

إِحْتِمَالِ الْخُرْقِ مِنْهُمْ وَالْعِيَّ وَنَحَّ عَنْكَ الضُّيْقَ وَالْمَأْنَفَ يَبْسُطِ اللَّهُ عَلَيْكَ أَكْنَافَ رَحْمَتِهِ وَيُوجِبُ لَكَ ثَوَابَ طَاعَتِهِ، فَأَعْطِ مَا
أَعْطَيْتَ هَنِيئاً وَامْنَعْ فِي إِجْمَالٍ وَإِعْذَارٍ وَتَوَاضَعْ هُنَاكَ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَاضِعِينَ. وَلْيَكُنْ أَكْرَمُ أَعْوَانِكَ عَلَيْكَ أَلَيْنَهُمْ جَانِباً
وَأَحْسَنَهُمْ مُرَاجِعَةً وَالْطَفَهُمْ بِالضُّعْفَاءِ، إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

قرآن کریم؛ تحف العقول عن آل الرسول، ابن شعبه حرانی، ترجمه احمد جنتی، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۷، ص ۲۸۴-۲۸۹؛ ترجمه تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴، چاپ پنجم، ج ۲۰، ص ۳۲۳؛ تفسیر فخر رازی، ج ۳۱، ص ۱۶؛ تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴، چاپ اول، ج ۲۶، ص ۱۲۳؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۰۹؛ الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۱۴؛ روح المعانی، ج ۳۰، ص ۳۹؛ سوره روشندلان: تکریم نایبانیان در قرآن کریم، قدرت الله عفتی، دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۰؛ مجمع البیان، جلد ۱۰، ص ۴۳۷؛ نهج البلاغه، به کوشش صبحی صالح، بیروت، ۱۳۸۷/۱۹۶۷ق، ص ۴۳۸-۴۴۰؛ نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، ۱۳۸۵، فراز ۷؛ نهج البلاغه، به کوشش سید صادق موسوی، شیخ محمد عساف و خرید السید، مشهد مقدس، مؤسسه الامام صاحب الزمان، ۱۴۱۸ق، ص ۹۳۳-۹۳۵.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

